

#### یادداشت

#### سرکنگبین خصوصی سازی

**حجت‌اله صیدی\***

● از میان اصلاحات اقتصادی کشور در دهه‌های اخیر، خصوصی‌سازی از مواردی است که کمتر مقام مسئول یا صاحب‌نظری را می‌توان یافت که از برنامه‌ها، عملکرد و نتایج آن اظهار رضایت کرده یا روند و سرعت آن را تایید کرده باشد. اغلب سیاست‌گذاران، مسئولان، صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی از آن کله‌مندند زیرا یکی از مهم‌ترین امور حیاتی اما معطل‌مانده اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر است که دولت‌ها به دلیل بی‌چیدگی و دشواری آن، به وجود تمایل قلبی و وعده‌ها، با گامی جدی در این خصوص برداشته یا کوشش‌هایی پراکنده داشته‌اند که حتی گاه در مسیری مناسب نبوده و آنان را از مقصد دورتر کرده و از قضا سرکنگبین صفرا فزوده و روغن بادام خشکی کرده است. اکنون، در آستانه آغاز دوره دوازدهم دولت نیز شعارهایی جدی به‌ویژه از سوی شخص رئیس‌جمهور منتخب محترم مبنی بر عزم جدی دولت برای خصوصی‌سازی طرح می‌شود که ضرورت پرداختن به ظرایف آن، به گونه‌ای که این بار تلاش‌هایی پربار و منجر به دستاوردهایی درخور توجه داشته باشد، رخ می‌نماید.

خصوصی‌سازی به سه دلیل استوار، ضرورت حیاتی اقتصاد و محیط کسب‌وکار امروز ایران است. دلیل نخست آنکه نقش بی‌بدیل این امر برای رشد اقتصادی و توسعه، بارها در جهان، هم در نظریه‌های اقتصادی و هم در عمل ثابت شده است. علاوه بر آنچه در پژوهش‌ها و ادبیات اقتصادی جهان آمده، تجارب ۵۰ سال اخیر، از اقتصادهای پیشرفته‌ای مانند انگلستان، فرانسه و آلمان در قرن پیشین گرفته تا کشورهای روبه‌رشدی مانند ترکیه، کره‌جنوبی، مجارستان و برخی دیگر از کشورهای استقلال‌یافته اروپای شرقی نیز نشان می‌دهد که یکی از الزامات دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، خصوصی‌سازی است. دلیل دوم، به‌رسمیت‌شناختن بخش خصوصی به گونه‌ای روشن در متن اصل ۴۴ قانون اساسی ایران است که به دلیل اهمیت انکارناپذیرش، سیاست‌های کلی اصل مزبور در دهه ۸۰ خورشیدی از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ و سپس تبدیل به قانونی صریح در مجلس شورای اسلامی شد و از این رو الزام اجرائی دارد و دلیل واپسین نیز حرکت به سوی اقتصاد مردم‌نهاد است که براساس ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در دستور کار دولت یازدهم قرار گرفت و در دولت دوازدهم نیز باید به طور شایسته‌ای به آن پرداخته شود.

نویسنده این ستور چندی‌پیش در نوشته‌ای با عنوان «دولت مستعجل و نظریه محدودیت» بر این نکته تأکید کرد که اگر دولت دوازدهم بتواند در چهار سال پیش‌رو چهار امر مهم را به سامان برساند، دولتی به غایت موفق به شمار خواهد آمد که یکی از آن چهار مورد، اصلاح ساختار مالکیت بنگاه‌ها و خصوصی‌سازی است که البته یکی از دشوارترین مسائل پیش‌روی دولت خواهد بود. برای ملموس‌ترشدن این دشواری، کافی است تصور کنیم که خصوصی‌سازی از بسیاری جهات مانند برج‌ام است که موفقیت بزرگ دولت یازدهم بود. از منظر نتیجه، مانند برج‌ام آثاری مستقیم بر فضای کسب‌وکار، معیشت مردم و حرکت کشور به سوی رشد پایدار اقتصادی دارد و از منظر فرایند نیز، همانند برج‌ام حرکتی چندبعدی، پیچیده و جامع است که نیاز به هماهنگی تمامی ارکان کشور و پشتیبانی و مشارکت آنان دارد تا بتواند به نتیجه‌ای رضایت‌بخش منجر شود، اگرچه بار اصلی این حرکت همچنان باید بر دوش دولت باشد و البته خواهد بود.

پیش‌نیاز حرکت در راستای خصوصی‌سازی، ارائه تعریفی عملیاتی برای آن و تفاهم جمعی بر سر این تعریف و تبیین است که بدون آن احتمال انحراف از مسیر و بروز نتایجی نامطلوب دور از انتظار نخواهد بود، زیرا این‌مفهوم نیز مانند بسیاری از مفاهیم تخصصی دیگر، محل تفسیر و تعبیر فراوان دارد. اگر به مدل‌های خصوصی‌سازی در گوشه و کنار جهان نیز توجه شود، می‌توان این پراکندگی و تفاوت تعریف‌ها را به خوبی مشاهده کرد. درحالی‌که در یک کشور بنگاه‌ها به خانواده‌ها و گروه‌های سهام‌دار و اهالی یک صنف واگذار شده، در کشوری دیگر، از طریق تبدیل شرکت‌ها به سهامی عام و واگذاری آن به عموم سرمایه‌گذاران انبوه، مسیر خصوصی‌سازی با موفقیت طی شده است. درستی هرکدام از این مدل‌ها بستگی به میزان فراهم‌بودن زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن دارد. اگرچه تبیین هرکدام از زمینه‌ها و ساختارهای پیش‌گفته، خود نیازمند نوشتاری دیگر است، اما به اجمال می‌توان ادعا کرد که با توجه به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ایران، مناسب‌ترین مدل برای خصوصی‌سازی، «عمومی‌سازی» است. اگر در تاریخ کسب‌وکار در دنیا درنگ شود، به نظر می‌آید که یکی از بزرگ‌ترین اختراعات بشر، در کنار برق و تلفن و هواپیما، شرکت سهامی عام بوده است.

**ادامه در صفحه ۱۵**

بدون مقدمه به فهرستی از مشکلات کشور اشاره می‌کنم:

۱. فشار سنگین انبوه متقاضیان شغل و ظرفیت محدود اقتصاد برای ایجاد اشتغال در مقیاس موردنیاز، کاهش کم‌سابقه سطح درآمد خانوارهای شهری و به‌ویژه روستایی در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ و دشواری‌بودن ترمیم این کاهش در بازه زمانی میان‌مدت، مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، نظام بانکی، مسائل جدی زیست‌محیطی و بحران منابع آب، عمده‌ترین مسائل یا همان ابرچالش‌هایی هستند که مانند جسی غلیظ و قوی به آینده کشور چسبیده‌اند و جز آنکه با تدبیر و صبر و متانت حل شوند، راه دیگری ندارند. این در حالی است که حلال همیشگی مشکلات، یعنی درآمدهای نفتی نیز در وضعیت بی‌روفتی به سر نمی‌برد.

۲. در حوزه روابط بین‌الملل، برخلاف سال‌های نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و نیمه اول ۲۰۰۰، از نظر سیاسی فضای جهانی با عدم قطعیت‌های بسیاری مواجه شده است و شاید هیچ زمانی را در گذشته نتوان سراغ گرفت که امنیت داخلی طیف گسترده‌ای از کشورهای جهان تا این اندازه به چالش کشیده شده و بهره‌گیری از فضای جهانی برای حل مسائل داخلی کشورها تا این اندازه دشوار شده باشد.

۳. آمریکا در دوره ترامپ، در حال تبدیل‌شدن به یک بازیگر برهم‌زننده قواعد توافق‌شده جهانی است. از نظر اقتصادی نیز از یک طرف پیش‌بینی‌های موجود از رشد اقتصاد چین بیانگر آن است که یک موتور رشد تقاضای جهانی و به‌ویژه انرژی، در مسیر کندی حرکت می‌کند و از طرف دیگر، بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، سخت‌گیری‌ها و احتیاط‌های بانکی به‌شدت افزایش پیدا کرده که برای نظام بانکی ما با پیشینه بی‌احتیاطی‌های زیاد، بسیار محدودکننده است.

در مجموع، در مقایسه با ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته، فرصت‌های بهره‌گیری از منابع جهانی بسیار کمتر و نامطمئن‌تر و تهدیدهای آن بسیار بیشتر و قطعی‌تر شده است.

۴. مسائل منطقه‌ای پیرامون ما مسائلی بسیار جدی همراه با عواقب پیش‌بینی‌ناپذیر از نظر گستره و عمق خشونت ناشی از پدیده داعش و نیز تضادهای رو به رشد منطقه‌ای و تحولات سیاسی مرتبط بر آن است.

۵. در حوزه اجتماعی، بعد از توقف اشتغال‌زایی اقتصاد در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، هم‌زمان با به سن کار رسیدن موج متولدان دهه ۱۳۶۰، مشکلات بزرگی از قبیل به‌تعویق‌افتادن سن ازدواج، افسردگی و اعتیاد جوانان، طلاق، جرم و جنایت و بسیاری دیگر از ناهنجاری‌های اجتماعی گریبان کشور را گرفته‌است که همچنان نیز ادامه دارد.

۶. در حوزه نظام مدیریتی و اجرایی، در ۱۰ سال گذشته به سمت ضعیف‌ترشدن این سرمایه مهم و حیاتی حرکت کرده‌ایم. حوادث سیاسی داخلی، جدای از ماهیت و قضاوت درباره آنها، منجر به ضعیف‌ترشدن و محدودترشدن توان مدیریتی کشور شده است. به‌گونه‌ای که امروز، پیداکردن افراد واجد صلاحیت مدیریت ارشد به کاری بسیار دشوار تبدیل شده است. نتیجه آن است که توان حل مشکلات در مسیر مقابل ابعاد مشکلات حرکت کرده است.

شرق: آخر هم به عهد خود وفا نکرد. پسر اسطوره فوتبال ایران که پیش‌تر خبر آمده بود در جریان ماجرای برنج وارداتی، وارد مذاکرات ناموفقی با شرکت بازرگانی دولتی شده بود، نتوانست به‌صورت تریه‌نی، بدهی حدود ۲۵ میلیارد تومانی خود را که از سال ۱۳۹۳ به شرکت بازرگانی دولتی باید پرداخت می‌کرد، پرداخت کند. برهمین‌اساس و به گفته یک مقام مسئول در وزارت جهاد کشاورزی، با حکم قضائی ویلای پسر فوتبالیست مشهور و اسبق تیم ملی واقع در لواسان به نفع دولت مصادره شد. ویلایی واقع در لواسان که ارزشش بیش از ۳۵ میلیارد تومان است.به گزارش خبرگزاری‌ها، از سال گذشته پرونده بدهی ۲۵ میلیاردی پسر فوتبالیست مشهور و اسبق تیم ملی در رسانه‌ها مطرح شد که این جهاد فوتبالی از دولت و وزارت جهاد کشاورزی در سراه ۱۳۹۳ حدود ۲۵ میلیارد تومان برنج به‌صورت تریه‌نی و از طریق به رهن‌گذاشتن ویلای خود در لواسان خریداری کرده و فروخته بود؛ اما همچنان پول دولت را بابت خرید و فروش این برنج‌ها پرداخت نکرده است.در پی انتشار این خبر مسئولان وزارت جهاد کشاورزی نیز در قالب مصاحبه‌های متعدد در این زمینه اعلام کردند دولت مطالبه خود را به‌صورت قانونی از این فوتبالیست سابق بازپس می‌گیرد و اگر این فرد تا تاریخ مشخص‌شده بدهی خود را نپردازد، ویلای او که به رهن گذاشته شده، به نفع دولت مصادره خواهد شد. علی قنبری، مدیرعامل وقت شرکت بازرگانی دولتی، دراین‌باره گفته بود در دولت گذشته برنج مانند دیگر محصولات کشاورزی به‌دلیل آنکه واردات آن در اختیار وزارت جهاد کشاورزی نبود، بدون توجه به نیاز و احتساب تولید داخلی وارد شد؛ اما با توجه به وجود مازاد بیش‌ازحد آن تصمیم گرفته شد براساس قانون بودجه سال ۱۳۹۳ این محموله‌ها را با انتشار فراخوانی به‌صورت تریه‌نی به متقاضیان بفروشیم و براین‌اساس هر متقاضی، ملکی را برای خرید این برنج‌ها به رهن گذاشت.

به گفته او، براین‌اساس به‌اندازه ۷۰ درصد ارزش واقعی ملک به رهن گذاشته‌شده، به آنها برنج فروختیم و در این میان عده‌ای به وعده‌شان عمل کردند و عده‌ای دیگر باوجود فروش محصول، هنوز بهای آن را به دولت پرداخت نکرده‌اند و علت آن را نداشتن نقدینگی برای تأمین اعتبار آن اعلام کردند. به‌همین‌دلیل ملک به رهن گذاشته پسر این فوتبالیست معروف را همراه دیگر بدهکاران به اجرا گذاشتیم و در حال مزایده و فروش آن برای تأمین مطالبات دولت هستیم

پس از این مصاحبه نیز اتفاقی نیتاد و بدهکار

### اقتصاد

در ضرورت کینه‌زدایی از سیاست

## سیاست‌زدایی از اقتصاد و سخنرانی‌زدایی از سیاست‌گذاری

**مسعود نیلی**



استان‌های مختلف به‌ویژه از نظر فقر و نرخ بی‌کاری جوانان تحصیل‌کرده، در کنار مسائلی از قبیل بحران آب و ریزگردها و... متأسفانه بسیار نامتوازن و هشداردهنده است. خلاصه آنکه هر کارشناسی یا یک بررسی اولیه در زمینه مشکلات مختلف چندبعدی کشور، بلافاصله به این نتیجه می‌رسد که مسائلی بزرگ و تعیین‌کننده بر سر راه آینده آن قرار گرفته است. از یک طرف تهدیدهای بیرونی بر فرصت‌های آن غلبه کرده و از طرف دیگر، ابعاد مسائل داخلی نیز شرایط دشواری را ایجاد کرده است. در یک برخورد کاملاً منطقی، اولین نتیجه‌ای که در چنین شرایط پیچیده‌ای به ذهن می‌رسد، آن است که حتی اگر قوای مؤثر کشور با انسجام کامل و در فضایی آرام و مسالمت‌آمیز به‌طور کامل و منحصراً بر حل این مشکلات متمرکز شوند، رسیدن به شرایط مطلوب و عبور بدون مسئله از این گردنه‌های سخت، بسیار دشوار خواهد بود. پیداکردن راه‌حل‌ها دشوار است، رسیدن به توافق بر سر آنها دشوارتر و اجرای آنچه بر سر آن توافق می‌شود از هر دو دشوارتر! پس قاعدتا هیچ اولویتی مهم‌تر از این نیست که همه متانت و تدبیر داشته باشیم تا بتوانیم از این گذرگاه سخت عبور کنیم. اما مسئله این است که لزوماً همیشه برخورد‌ها در چارچوب منطق مورد انتظار شکل نمی‌گیرد و آنچه امروز در فضای عمومی و در رفتار سیاست‌مداران کشور مشاهده می‌کنیم با آنچه به آن نیاز داریم فاصله‌ای بزرگ دارد. بنابراین شاید بتوان به حداقل‌هایی که در شرایط موجود ضرورت اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود، بسنده کرد و آن هم مواردی را شامل می‌شود که بیش از آنکه ایجابی باشد سلبی است. شاید ما در مرحله‌ای هستیم که هنوز هم باید بیشتر به «چه نباید کرد‌ها» فکر کنیم. از نظر نگارنده مؤثرترین سیاست‌مداران کشور در سطح ملی و استانی، این نکته را که خود و مخالفانشان، هر دو در یک کشتی قرار دارند، کمتر مورد توجه قرار می‌دهند و اگر حداقل‌هایی را که متضمن سلامت اولیه کشتی است، فراموش کنند، هم خود و هم مردم صبور و فهیم کشورمان را به ورطه خطر خواهند انداخت. در اینجا در نهایت تواضع، سه رویکرد سلبی را پیشنهاد می‌کنم که اگر نتواند مبنای کار نیروها و گروه‌های مؤثر سیاسی قرار گیرد، تداوم وضعیت موجود را به‌طور جدی نگران‌کننده خواهد کرد.

**اول: کینه‌زدایی از فضای سیاسی**

سیاست، به‌طور طبیعی عرصه اختلاف‌نظر و واکرایی دیدگاه‌هاست؛ بنابراین، اصل وجود اختلاف اجتناب‌ناپذیر است. آنچه اهمیت دارد، نحوه برخورد با این اختلافات است. اگر اختلاف‌نظر در سیاست، شکل عقیدتی و ارزشی به خود گرفته و هر طرف، خود را در جبهه حق و طرف مقابل را از لشکریان باطل تصور کند، مبارزات سیاسی به خشونت خواهد گرایید و عاقبتی تلخ و ناگوار خواهد داشت. سیاست نه عرصه خصومت، بلکه عرصه رقابت است. دو تیم فوتبال که با هم مسابقه می‌دهند، رقیب یکدیگرند، نه دشمن هم. مسابقه داور می‌خواهد و قبل از آن قانون و مقررات، در مسابقات رفتار پرخطر تعریف شده است. ضمن آنکه شکست و پیروزی هم در آن تعریف شده است. دو تیم ورزشی به قصد نابودی یکدیگر با هم مسابقه نمی‌دهند. عرصه سیاست‌ورزی در ایران اگر قاعده‌مند نشود، به سمت خشونت حرکت خواهد کرد. اگر پای خشونت به سیاست باز شود، مشکلات و زخم‌هایی سر باز می‌کند که مانند باتلاق، «همه» را خواهد بلعید.

**دوم: سیاست‌زدایی از اقتصاد**

سیاست‌ورزان اهل ریسک هستند و مخاطره‌پذیری جزء ذات کار آنها است. در مقابل، بازار و سرمایه‌بکار محتاط و گریزان از ریسک‌های سیستماتیک است. اقتصاد اگر مستأجر سیاست شد، از آنجاکه می‌داند هر لحظه ممکن است از مالک حکم تخلیه بگیرد، دستش به کار نمی‌رود و تنها به روزمرگی و امور کوتاهمدت بسنده می‌کند. چیزی که هیچ تناسبی با راه‌حل‌های مربوط به مشکلات بزرگ حال و آینده کشور ندارد.

**سوم: سخنرانی‌زدایی از سیاست‌گذاری**

شاید کمتر کشوری را بتوان در این جهان پهناور یافت که تا این اندازه سخنرانی در آن اهمیت داشته و اصولاً خود به‌عنوان یک نهاد کارکرد داشته باشد! بسیاری از مطالبی که لازم است در جلسات تصمیم‌گیری و پشت میزهای سیاست‌گذاری به بحث گذاشته شود، از طریق تریبون‌های مختلف بیان می‌شود. ادبیات شفاهی و رویکرد مونولوگ، در مقابل فرهنگ مکتوب و رویکرد گفت‌وگو، حجم بزرگی از ارتباطات سیاسی ناکارآمد را در کشور ما اشغال کرده و گویی قرار نیست تغییری در این رویه داده شود. خلاصه آنکه، آنچه از مردم در پای صندوق‌های رای و در اجتماعات و راهپیمایی‌های ملی شنیده و دیده می‌شود، مسالمت‌جویی، آرامش طلبی، صلح‌خواهی، امنیت‌طلبی و عزت‌مداری و غرور ملی است؛ اما متأسفانه آنچه از تریبون‌ها و سخنرانی‌ها شنیده می‌شود، دعوا و کینه‌توزی و به‌کارگیری زبان غیرمسالمت‌آمیز برای بیان مطالبی است که بیان آنها در تریبون‌های عمومی ضرورتی ندارد و نه‌تنها در جهت حل مشکلات کارساز نیست؛ بلکه با ایجاد تششت در ذهن فعال جامعه، مشکلی دیگر بر مشکلات قبلی می‌افزاید. در چنین فضایی، اعتماد به سیاست‌گذار و اطمینان به آینده از کشور رخت برمی‌بندد و اگر چنین شد، زبان نگارنده از بیان عواقب آن قاصر است. پایان کلام، وقت آن است که همه قوای مؤثر در اداره کشور، برای حل مشکلات اصلی و احتراز از حاشیه‌ها تلاش کنند و به تعبیر برگرفته از حافظ لسان‌الغیب، «دست به کاری زنند که غصه سرآید».

IEON

Since 1960

The Roof



خاص باشید... فضایی متفاوت...

پاسداران، نبش بهستان هشتم، ساختمان آبتین، طبقه ۷

۲۲۷۹ ۱۲۱۹

۲۲۷۹ ۱۲۷۵

#### خبر

#### شرکت ملی نفتکش آماده تأمین نیاز ناوگان صادراتی نفت و گاز

● مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران اعلام آمادگی کرد که در صورت درخواست شرکت ملی نفت ایران می‌تواند کشتی‌های مورد نیاز جهت صادرات نفت و گاز را تأمین کند.سپروس کیان‌ارنی، مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره شرکت ملی نفتکش ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت ملی نفت ایران گفت: شرکت ملی نفتکش ایران (NITC) با ناوگانی به ظرفیت ۱۵.۵ میلیون تن، بزرگ‌ترین شرکت کشتی‌رانی نفتی جهان به لحاظ ظرفیت به شمار می‌رود. ناوگان این شرکت هم‌اکنون با برخورداری از پرچم، کلاس و بیمه معتبر، بدون هیچ مشکلی در آب‌های بین‌المللی تردد دارد.

#### خبر ویژه

توسط بانک پاسارگاد انجام شد

#### اهدای کتاب نفیس قرآن طباخ به استانداری اصفهان

● بانک پاسارگاد، در راستای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی خود و در ادامه طرح اهدای کتب نفیس به دانشگاه‌ها، مراکز علمی، نهادها، استادان و فرهیختگان، یک جلد کتاب نفیس قرآن طباخ‌هرروی را به‌عنوان اثری ارزشمند و ماندگار، به استاندار اصفهان اهدا کرد.به گزارش روابطعمومی بانک پاسارگاد، این قرآن نفیس به خط عبدالله طباخ‌هروی، از شاگردان جعفر تبریزی (بایسنقری)، از قرآن‌های نفیس و کم‌نظیر گنجینه آستان قدس رضوی است که در سال ۱۰۴۰ هجری قمری وقف حرم حضرت امام‌رضا(ع) شده است. این کتاب در سال ۱۳۹۴ با حمایت بانک پاسارگاد چاپ و رونمایی شد.رسول زرگریور، استاندار اصفهان، در مراسم اهدای این کتاب، ضمن تقدیر از بانک پاسارگاد به‌عنوان بانک حامی فرهنگ و هنر، اظهار امیدواری کرد اقدامات این بانک، در حمایت از حفظ آثار ارزشمند فرهنگی و هنری تداوم یابد. گفتنی است «مصطفی شریف خراسان»، در قرن نهم هجری قمری، به وسیله «عبدالله طباخ‌هروی» کتابت شده و در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.